

سبک خراسانی در شعر کلاسیک فارسی

(ধ্রুপদী ফারসি কবিতায় খোরাসানি শৈলী)

[The Khorasani Style in Classical Persian Poetry]

Dr. Syaid Abu Abdullah

Professor, Department of Persian Language & Literature, University of Rajshahi, Bangladesh

ARTICLE INFORMATION

The Faculty Journal of Arts
Rajshahi University
Special Volume-7
ISSN: 1813-0402 (Print)

Received : 05 February 2025

Received in revised: 27 April 2025

Accepted: 16 March 2025

Published: 25 October 2025

Keywords:

Khorasani, Style, Turkistan, Arabic verse,
linguistic, Prosody.

ABSTRACT

An important element of Persian poetry is compositional style. There are many styles of this literature. One of the important styles is the Khorasani style. The Khorasani style period was followed by the Iraqi style, which was more elaborate and spiritual. Khorasani style is a style of Persian poetry that originated in eastern Persia around the tenth century and lasted until the second half of the twelfth century. The style of Khorasan also known as the style of Turkistan was a movement in Persian poetry associated with the court of the Ghaznavids, associated with Greater Khorasan, now divided between Iran, Afghanistan, Tajikistan, and Uzbekistan. It is characterized by its plain poetic technique, concrete images and metaphors and some archaic linguistic features. While showing limited use of Arabic loan-words, poetry in this style was influenced by Arabic verse, particularly in terms of its prosody and the dominant genre was the praise-poem. The chief representatives of this lyricism are Feadawsi (Born: 940-Died: 1019/1025 CE.) Asjadi (Died: between 1040 and 1043 CE.), Farrukhi Sistani (Born: 1000-Died: 1043 CE), Unsuri (Died: 1039/1040 CE), Manuchehri (Died: between 1030 and 1040 CE.), Omor Khayyam (Born: 1048-Died: 1131 CE.) and Sanai (Born: 1080-Died: 1131/1141 CE.). Panegyric masters such as Rudaki (Born: 858-Died: 940/941 CE) were known for their love of nature, their verse abounding with evocative descriptions.

چکیده

سبک خراسانی یکی از نخستین و کهن‌ترین سبک‌های شعر فارسی کلاسیک است که از سدهٔ سوم تا اوایل سدهٔ ششم هجری رواج داشت. این سبک در مناطق شرقی ایران، به‌ویژه خراسان و ماوراءالنهر، شکل گرفت و تحت تأثیر زبان ساده و روشن فارسی دری قرار داشت. ویژگی‌های اصلی سبک خراسانی عبارت‌اند از: زبان ساده و استوار: واژگان بیشتر فارسی هستند و از عربی کمتر استفاده می‌شود. تصاویر طبیعی و حماسی: شعرهای این دوره بیشتر به توصیف طبیعت، قدرت، پهلوانی و ستایش شاهان و امیران می‌پردازند. وزن‌های سنگین و متین: قالب‌های اصلی قصیده و مثنوی هستند که برای مدح، حماسه و حکمت استفاده می‌شوند. بیان مستقیم و شفاف: استعاره‌ها و صنایع ادبی پیچیده کمتر به کار می‌روند.

واژه کلید: سبک، خراسان، طبیعی، حماسی، سنگین و متین، قصیده، مثنوی، مستقیم و شفاف، پیچیده.

مقدمه: ادبیات فارسی در طول تاریخ دستخوش تحولات گوناگونی شده و سبک‌های مختلفی را تجربه کرده است. یکی از نخستین و برجسته‌ترین سبک‌های شعری در این مسیر، سبک خراسانی است که در سده‌های آغازین شعر فارسی نو شکل گرفت و از دورهٔ سامانیان تا اوایل دورهٔ سلجوقیان ادامه یافت. این سبک که ریشه در زبان فارسی دری

دارد، پایه‌گذار سنت‌های شعری‌ای شد که بعدها در سایر سبک‌های ادبی فارسی گسترش یافتند. شعر سبک خراسانی به دلیل سادگی، صلابت و استحکام زبانی، همراه با مفاهیم حماسی و توصیفی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کلاسیک فارسی دارد. شاعران این سبک از زبان روشن و کم‌آرایه بهره می‌بردند و بیشتر به موضوعاتی چون طبیعت، مدح شاهان، حماسه‌های ملی و حکمت توجه داشتند. شاهنامه فردوسی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آثار حماسی جهان، نمونه‌ای برجسته از این سبک محسوب می‌شود. در این نوشتار، به بررسی ویژگی‌های سبک خراسانی، شاعران برجسته آن و تأثیرات آن بر شعر فارسی خواهیم پرداخت تا درکی عمیق‌تر از یکی از ارکان مهم ادبیات کلاسیک فارسی به دست آوریم. تأثیرات سبک خراسانی بر شعر فارسی بیان کنیم.

تعریف و انواع سبک

سبک در لغت به معنای روش، شیوه، یا طرز است. در ادبیات، سبک به شیوهی خاص بیان یا نگارش یک نویسنده، شاعر، یا دوره‌ی ادبی گفته می‌شود که بر اساس ویژگی‌های زبانی، فکری، بلاغی، ساختاری و زیبایی‌شناختی، آثار او را از دیگران متمایز می‌کند.^۱ سبک نشان می‌دهد که چگونه یک محتوا ارائه می‌شود، نه صرفاً چه محتوایی ارائه شده است. در ادبیات فارسی، سبک‌ها را به چند روش طبقه‌بندی می‌کنند. مهم‌ترین و رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌ها عبارت‌اند از: **سبک خراسانی** (قرون ۳ تا ۶ هجری)، **سبک عراقی** (قرون ۶ تا ۹ هجری)، **سبک هندی** (قرون ۹ تا ۱۲ هجری)، **سبک بازگشت ادبی** (قرن ۱۲ به بعد)، **سبک معاصر** (قرن ۱۴ به بعد).^۲

سبک خراسانی

سبک خراسانی یکی از نخستین و کهن‌ترین سبک‌های شعر فارسی است که در قرون سوم تا ششم هجری قمری در نواحی شرقی ایران، به‌ویژه در خراسان بزرگ (شامل مناطقی از ایران، افغانستان، و آسیای مرکزی امروزی) رواج داشت.^۳ این سبک با زبانی ساده، روان، و طبیعی، مضامینی حماسی، اخلاقی، و توصیفی، و دوری از پیچیدگی‌های لفظی و معنوی شناخته می‌شود. در این سبک، شاعران بیشتر به موضوعاتی چون طبیعت، مدح پادشاهان، دلاوری، و اخلاق می‌پردازند و کمتر به مفاهیم عرفانی یا عاشقانه‌ی پیچیده توجه دارند. سبک خراسانی پایه‌گذار سنت شعر فارسی و مقدمه‌ای برای پیدایش سبک‌های بعدی مانند سبک عراقی و سبک هندی بوده است.^۴

شاعران سبک خراسانی

سبک خراسانی یکی از نخستین و مهم‌ترین سبک‌های شعر فارسی است که از دوره سامانیان تا اوایل سلجوقیان رواج داشت. شاعران برجسته این سبک عبارت‌اند از: رودکی سمرقندی (حدود ۸۶۰-۹۴۱ م) - پندر شعر فارسی، دقیقی طوسی (حدود ۹۳۵-۹۷۸ م) - سراینده بخشی از شاهنامه، فردوسی طوسی (حدود ۹۴۰-۱۰۲۰ م) - حماسه‌سرای بزرگ ایران، عنصری بلخی (درگذشته حدود ۱۰۴۰ م) - مدیحه‌سرای دربار غزنویان، فرخی سیستانی (حدود ۹۸۰-۱۰۳۷ م) - از شاعران مشهور دربار محمود غزنوی، منوچهری دامغانی (حدود ۹۸۰-۱۰۴۱ م) - شاعر طبیعت‌گرا، کسایی مروزی (متوفی در ۳۴۱ ه. ق) - از نخستین شاعران مذهبی، ناصر خسرو قبادیانی (۱۰۰۴-۱۰۸۸ م) - شاعر، فیلسوف و مبلغ اسماعیلی و منوچهری دامغانی (۳۹۴-۴۳۲ هجری) اشاره کردند. شاهنامه فردوسی اوج این سبک محسوب می‌شود و تأثیر زیادی بر ادبیات فارسی گذاشته است. با گذر زمان، سبک خراسانی جای خود را به سبک عراقی داد که لطافت، عرفان و موسیقایی بیشتری در شعر فارسی به ارمغان آورد.

سبک خراسانی یکی از سبک های برجسته در شعر کلاسیک فارسی است که در دوران ابتدایی ادبیات فارسی، به ویژه در قرن های نخست هجری (حدود قرن ۳ و ۴ هجری)، شکل گرفت و تأثیر زیادی بر شعر فارسی گذاشت. این سبک، به ویژه در مناطق شمال شرقی ایران و نواحی خراسان رواج داشت و از ویژگی های خاص خود برخوردار است.^۵ در ادامه چند تن از شاعران برجسته این سبک را معرفی می کنم:

۱. رودکی (۲۴۴-۳۲۹ هجری)

رودکی نخستین شاعر بزرگ فارسی زبان است که اشعارش ساده، روان و دلنشین اند. رودکی، شاعر بزرگ دوره سامانی، به عنوان "پدر شعر فارسی" شناخته می شود. او نخستین شاعری است که دیوان شعر فارسی داشته و نقش مهمی در تثبیت و گسترش زبان فارسی ایفا کرده است.^۶ ویژگی های شعر رودکی: سادگی و روانی زبان: اشعار او بی تکلف و قابل فهم هستند. موسیقی و آهنگین بودن: رودکی از وزن های خوش آهنگ بهره برده است. مضامین متنوع: از طبیعت و شادی تا اندرز و حکمت.^۷ نمونه هایی از اشعار رودکی: شعر معروف "بوی جوی مولیان"

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی

ریگ آموی و درشتی های او زیر پایم پرنیان آید همی.^۸

در این شعر، رودکی حس دلتنگی و نوستالژی را با زبانی ساده و روان بیان کرده است.

تأثیر رودکی بر شعر فارسی: بنیان گذار شعر کلاسیک فارسی، الهام بخش شاعران بعدی مانند فردوسی و سنایی، استفاده از مضامین حکمت آمیز در شعر. رودکی نخستین شاعر بزرگ زبان فارسی است که با زبان ساده، موسیقی شعر و مضامین متنوع، تأثیری عمیق بر ادبیات فارسی گذاشت.^۹

۲. دقیقی طوسی (حدود ۹۳۵-۹۷۸ میلادی)

دقیقی طوسی از شاعران نامدار سده چهارم هجری قمری و یکی از پیشگامان شعر حماسی در زبان فارسی است. او از دیار توس برخاسته بود و از نخستین کسانی بود که به فرمان امیران سامانی مأمور به نظم درآوردن خدای نامه (کتاب تاریخ شاهان ساسانی و اساطیری ایران) شد. دقیقی موفق شد حدود هزار بیت از شاهنامه را به نظم درآورد که موضوع آن عمدتاً سرگذشت گشتاسپ و زرتشت است. اما عمرش کوتاه بود و پیش از آن که کار خود را به پایان برساند، به دست غلامی کشته شد. پس از مرگ وی، فردوسی بزرگ کار ناتمام او را دنبال کرد و شاهنامه را با بهره گیری از سروده های دقیقی به کمال رساند. فردوسی در شاهنامه با احترام از دقیقی یاد می کند و بخشی از اشعار او را بدون تغییر در اثر خود گنجانده است.^{۱۰}

۳. فردوسی (۳۲۹-۴۱۱ هجری)

ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ ایران و سراینده شاهنامه، بزرگ ترین حماسه سرای تاریخ ادبیات فارسی است. او با سرودن شاهنامه، فرهنگ، زبان و تاریخ ایران را جاودانه ساخت. شاهنامه او یکی از بزرگ ترین آثار حماسی جهان است. زبانش فخیم اما ساده و بی پیرایه است.^{۱۱}

ویژگی های شعر فردوسی: حماسی و ملی گرایانه: شاهنامه تاریخ و اسطوره های ایران را روایت می کند. زبان فاخر و استوار: شعر فردوسی ساده اما با صلابت و آهنگین است. شخصیت پردازی قوی: شخصیت هایی مانند رستم،

سهراب و کب خسرو را زنده و واقعی ترسیم کرده است. حکمت و اخلاق: بسیاری از ابیات شاهنامه پر از پند و اندرز است.^{۱۲} نمونه‌هایی از اشعار فردوسی: معروف‌ترین بیت شاهنامه:

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی.^{۱۳}
شعر فردوسی در وصف خرد

توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود.^{۱۴}

تأثیر فردوسی بر فرهنگ و زبان فارسی: حفظ و پاسداری از زبان فارسی: شاهنامه سبب شد فارسی در برابر نفوذ عربی حفظ شود. الگوی شاعران پس از خود: نظامی، سعدی و حافظ از سبک او الهام گرفتند. بازآفرینی هویت ملی ایرانیان: شاهنامه گنجینه‌ی تاریخ، اسطوره و افتخارات ایران است. فردوسی نه تنها یک شاعر، بلکه احیاگر فرهنگ ایرانی است که با سرودن شاهنامه، ایران را در قلب تاریخ زنده نگه داشت.^{۱۵}

۳. عنصری بلخی (درگذشته: ۴۳۱ هجری)

عنصری بلخی یکی از بزرگ‌ترین شاعران سبک خراسانی و از شاعران نامدار دربار سلطان محمود غزنوی بود. عنصری به مدح شاهان مشهور بود و زبانی آهنگین و ساده داشت. وی به دلیل مهارت در مدیحه‌سرایی و تصویرسازی‌های زیبا، به عنوان "استاد شاعران دربار غزنوی" شناخته می‌شود.^{۱۶}

ویژگی‌های شعر عنصری: زبان ساده، روان و استوار، مهارت در مدح پادشاهان و بزرگان، توصیف طبیعت و صحنه‌های بزم و شکار استفاده از مضامین تغزلی و حماسی در کنار مدایح.^{۱۷}

در مدح سلطان محمود غزنوی عنصری می‌گوید:

اگر به تیر مه از جامه بیش باید تیر
چرا برهنه شود بستان چو آید تیر.^{۱۸}

در تصویرسازی زیبا در وصف بهار عنصری می‌گوید:

آمد بهار خرم و آورد بوی عود
باد صبا بباغ همی‌گسترده‌ش.^{۱۹}

تأثیر و جایگاه عنصری: نخستین شاعر برجسته‌ی دربار غزنوی، الهام‌بخش شاعران بعدی همچون فرخی سیستانی و مسعود سعد سلمان و تکامل‌بخش شعر مدحی و درباری در سبک خراسانی. عنصری بلخی با زبان فصیح و توانایی در مدیحه‌سرایی، یکی از مهم‌ترین شاعران دربار غزنوی بود که تأثیر شگرفی بر شعر فارسی گذاشت.^{۲۰}

۴. فرخی سیستانی (۳۷۰-۴۲۹ هجری)

فرخی سیستانی از شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی و از مهم‌ترین مدیحه‌سرایان دربار غزنویان بود. سبک او سرشار از تصویرپردازی و زبان فاخر اما روان است. او با اشعار روان، توصیف‌های زنده از طبیعت و مهارت در مدح، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ادبیات فارسی دارد.^{۲۱}

ویژگی‌های شعر فرخی سیستانی: توصیف‌های زیبا و زنده از طبیعت، مهارت در مدح شاهان و بزرگان، آهنگین و موسیقایی بودن اشعار و زبان ساده، استوار و روان. نمونه‌هایی از اشعار فرخی سیستانی.^{۲۲} در توصیف بهار فرخی سیستانی می‌گوید:

ز باغ ای باغبان ما را همی بویی دگر آید * مگر آنجا که گل روید، نسیمی تازه‌تر

در مدح پادشاه فرخی سیستانی می‌گوید:

مه اندر سینه دارد جای و خورشید است بر دیده * چنین باشد که باشد شاه عالم را جهان

در شادی و خوش‌باشی در زندگی فرخی سیستانی می‌گوید:

هوا بس ناجوانمردانه سرد است ای یاران * مگر کز باده‌ی نابش کنیم اندیشه را

تأثیر و جایگاه فرخی سیستانی: از مهم‌ترین شاعران دربار غزنویان (محمود و مسعود غزنوی)، توسعه‌دهنده‌ی شعر مدحی در سبک خراسانی و الهام‌بخش شاعران بعدی همچون مسعود سعد سلمان و انوری. فرخی سیستانی با شعرهای خوش‌آهنگ، توصیف‌های زیبا از طبیعت و توانایی در مدح، یکی از مهم‌ترین شاعران سبک خراسانی و ادبیات فارسی است.^{۲۶}

۵. کسای مروزی (درگذشته: ۳۴۱ هجری قمری)

کسای مروزی از شاعران کهن و برجسته سده چهارم هجری است که در شهر مرو (واقع در ماوراءالنهر) می‌زیست. او را از پیشگامان شعر فارسی در زمینه دینی و مذهبی می‌دانند. کسای از نخستین شاعرانی بود که مفاهیم تشیع، مدح اهل بیت (ع)، و آموزه‌های دینی را به زبان فارسی در قالب شعر وارد کرد. وی در آغاز، مانند بسیاری از شاعران هم‌عصر خود، در مدح پادشاهان شعر می‌سرود، اما بعدها به گرایش‌های مذهبی روی آورد و بیشتر اشعارش رنگ و بوی اعتقادی یافت. اشعار او ساده، روان و در عین حال عمیق است و از ویژگی‌های سبک خراسانی پیروی می‌کند. از او دیوانی به‌جا مانده که بخشی از آن حاوی اشعار مدح امام علی (ع) و دیگر پیشوایان شیعه است، که این امر نام او را در شمار نخستین شاعران مذهبی زبان فارسی قرار داده است.^{۲۷}

تأثیر و جایگاه کسای مروزی در ادبیات فارسی: کسای مروزی را می‌توان از نخستین چهره‌های برجسته شعر دینی و مذهبی فارسی دانست. او با گشودن راهی نو در شعر فارسی، مضامین شیعی و اعتقادی را وارد قالب‌های شعری کرد؛ موضوعی که تا آن زمان بیشتر در شعر عربی دیده می‌شد.^{۲۸} در روزگاری که بیشتر شاعران در خدمت دربارها بودند و مضامین شعری غالباً ستایش شاهان و وصف طبیعت بود، کسای رویکردی متفاوت در پیش گرفت و به مدح امام علی (ع) و اهل بیت (ع) پرداخت. از دیدگاه سبک‌شناسی، کسای از پیشگامان سبک خراسانی به‌شمار می‌رود؛ شعرهای او دارای زبانی ساده، استوار و فاقد پیچیدگی‌های لفظی و معنایی سبک‌های بعدی است. با این حال، مفاهیم بلند عرفانی و اعتقادی را در قالبی سهل و ممتنع بیان کرده است. از منظر تأثیرگذاری تاریخی، می‌توان گفت که کسای راه را برای شاعرانی چون ناصر خسرو، خاقانی، محتشم کاشانی و دیگر شاعران مذهبی هموار ساخت. شعر او نه تنها در بعد ادبی، بلکه در فرهنگ دینی و هویتی ایرانیان نیز تأثیرگذار بوده است.^{۲۹}

۶. منوچهری دامغانی (۳۹۴-۴۳۲ هجری)

منوچهری دامغانی یکی از برجسته‌ترین شاعران سبک خراسانی بود که به خاطر توصیف‌های زنده و شاعرانه از طبیعت شهرت دارد. منوچهری از توصیف طبیعت در شعرهایش بهره زیادی برده است. او در دربار غزنویان، به‌ویژه در دوران مسعود غزنوی، می‌زیست و به دلیل مهارت در سرودن اشعار تغزلی و مدحی، مورد توجه قرار گرفت.^{۳۰}

ویژگی‌های شعر منوچهری: توصیف طبیعت با رنگ‌ها و تصاویر زنده، آهنگین و موسیقایی بودن شعرها، بهره‌گیری از واژگان اصیل فارسی و عربی و استفاده از صنایع ادبی مانند تشبیه و استعاره.^{۳۱} در توصیف طبیعت و فصل‌ها عنصری می‌گوید:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است * باد خنک از جانب خوارزم وزان
در توصیف بهار و طبیعت منوچهری می‌گوید:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب * با صد هزار زینت و آرایش عجیب
شاید که مرد پیر بدین عید نو شود * وین کهنه‌جامه خلق به سرو قدی بیوشد.^{۳۲}
در مدح پادشاهان منوچهری می‌گوید:

بر تخت زر نشست چو ماهی * خورشید برآمد از کلاهدش.^{۳۳}
در تشبیهات زیبا از طبیعت منوچهری می‌گوید:

ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست * بی‌باده‌ی گلرنگ نمی‌باید زیست.^{۳۴}

تأثیر و جایگاه منوچهری: پیشگام در توصیف طبیعت و استفاده از تصاویر زنده، تأثیرگذار بر شاعران بعدی مانند انوری و خاقانی، از نخستین شاعرانی که در شعر فارسی از واژگان عربی استفاده کرد. منوچهری دامغانی با شعرهای آهنگین، توصیف‌های شگفت‌انگیز از طبیعت و سبک تغزلی خاص خود، یکی از شاعران تأثیرگذار سبک خراسانی به‌شمار می‌رود.^{۳۵}

۷. اسدی طوسی (درگذشته: ۴۶۵ هجری)

ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی یکی از شاعران و ادیبان برجسته سبک خراسانی است که بیشتر به حماسه‌سرایی و لغت‌شناسی شهرت دارد. طوسی بیشتر به تقلید از فردوسی شعر سروده است و نویسنده "لغت فرس" است. او از مهم‌ترین پیروان فردوسی بود و نقش مهمی در حفظ و گسترش زبان فارسی ایفا کرد.^{۳۶}

ویژگی‌های شعر اسدی طوسی: حماسی و ملی‌گرایانه-او در سرودن اشعار حماسی به سبک فردوسی مهارت داشت. زبان ساده و استوار-مانند دیگر شاعران سبک خراسانی، از زبانی روان و فخیم استفاده می‌کرد. لغت‌شناسی و واژه‌سازی-او لغت فرس را نوشت که یکی از نخستین فرهنگ‌های فارسی است. مدح و اندرز-برخی اشعارش دارای مضامین پندآموز و ستایش بزرگان است.^{۳۷}

آثار مهم اسدی طوسی: گرشاسپ‌نامه-یک منظومه‌ی حماسی که در ادامه‌ی سبک شاهنامه‌ی فردوسی سروده شده است و به داستان‌های گرشاسپ، پهلوان اسطوره‌ای ایران می‌پردازد. لغت فرس-اولین فرهنگ لغت فارسی که شامل واژگان کهن فارسی با معانی آن‌ها است.^{۳۸} نمونه‌هایی از اشعار اسدی طوسی. در توصیف پهلوانان و نبردها (از گرشاسپ‌نامه) اسدی طوسی می‌گوید:

بدو گفت شاه ای گرانمایه مرد * سزد گر نهی تاج بر فرق گرد
که در جنگ، شیر از تو بی‌بهره است * تو را زور و بازوی او ده ره

در پند و اندرز اسدی طوسی می گوید

بدان ای سراینده‌ی پهلوان * که گفتار نیکو بود یادمان.^{۴۱}

تأثیر و جایگاه اسدی طوسی: ادامه‌دهنده‌ی راه فردوسی در حماسه‌سرایی، نخستین فرهنگ‌نویس زبان فارسی، الهام‌بخش شاعران بعدی مانند نظامی و سنایی. اسدی طوسی با سرودن گرشاسپ‌نامه و تألیف لغت فرس، نقش مهمی در حفظ و گسترش زبان و ادب فارسی ایفا کرد. او از مهم‌ترین شخصیت‌های سبک خراسانی به شمار می‌رود.^{۴۲}

۸. ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ هجری)

حکیم ناصر خسرو قبادیانی به زبان ساده، فلسفه و حکمت را در شعر وارد کرد. او یکی از بزرگ‌ترین شاعران، فیلسوفان و اندیشمندان ایرانی در سبک خراسانی است. او علاوه بر شعر، یک نویسنده و مبلغ مذهبی اسماعیلی نیز بود. آثار او سرشار از حکمت، اندیشه‌های فلسفی، زهد و انتقاد از دنیاپرستی است.^{۴۳}

ویژگی‌های شعر ناصر خسرو: حکمت و اندرز: اشعار او بیشتر جنبه تعلیمی و پندآموز دارد. انتقاد از دنیاپرستی و بی‌عدالتی او بر ضد ظلم و فساد اجتماعی سخن می‌گوید. زبان ساده اما پرمحتوا اشعار او بدون پیچیدگی، اما سرشار از معانی عمیق است. توجه به دین و عرفان او مفاهیم اسلامی و شیعی را در شعر خود مطرح می‌کند.^{۴۴}

آثار مهم ناصر خسرو: دیوان اشعار: مجموعه‌ای از اشعار حکمی و تعلیمی. سفرنامه: گزارشی از سفر هفت‌ساله‌اش به سرزمین‌های اسلامی. زاد المسافرین: اثری فلسفی درباره معرفت و اندیشه. وجه دین: اثری مذهبی در توضیح باورهای اسماعیلیه.^{۴۵} در باره حکمت و اندرز ناصر خسرو می‌گوید:

چو هیچم نیست، باری، این سخن یاد * چو مه باشم، ز مه تا جاودان باد.^{۴۶}

در انتقاد از دنیاپرستی ناصر خسرو می‌گوید:

آن‌کس که بداند و بداند که بداند * اسب خرد از گنبد گردون بجهاند.^{۴۷}

در باره دعوت به دانش و خرد ناصر خسرو می‌گوید:

حاصل عمر آدمی یک دم است * آن یک دم از برای همدم است.^{۴۸}

تأثیر و جایگاه ناصر خسرو: او یکی از بزرگ‌ترین شاعران حکیم و اندیشمند ایران است. پیشگام در شعر تعلیمی و فلسفی از نخستین نویسندگان و سفرنامه‌نویسان فارسی، الهام‌بخش متفکران و شاعران بعدی مانند سنایی و عطار او نه تنها یک شاعر، بلکه فیلسوف، مبلغ دینی و متفکر اجتماعی بود که با شعرهای حکمت‌آمیز و اندیشه‌ورزانه، تأثیری عمیق بر ادبیات فارسی و تفکر ایرانی گذاشت.^{۴۹}

تأثیرات سبک خراسانی بر شعر فارسی

سبک خراسانی که نخستین سبک شعر فارسی بعد از اسلام به شمار می‌رود، تأثیرات عمیقی بر شعر فارسی گذاشته است. این سبک که از قرن سوم تا قرن ششم هجری رایج بوده، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، مبنای بسیاری از تحولات بعدی در شعر فارسی شد. در ادامه، برخی از مهم‌ترین تأثیرات آن را بررسی می‌کنیم:

۱. ساده‌نویسی و استواری زبان

شاعران سبک خراسانی، زبان فارسی را از تأثیرات پیچیده عربی دور نگه داشتند و به زبانی ساده، استوار و روشن توجه داشتند. این ویژگی باعث شد که پایه‌های زبان فارسی محکم شود و برای نسل‌های بعدی شعرا، الگوی مناسبی باشد.^{۵۰} برای نمونه، یکی از اشعار رودکی، پدر شعر فارسی، نمونه‌ای از ساده‌نویسی و استواری زبان در سبک خراسانی است:

بوی جوی مولیان آید همی * یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی‌های او * زیر پایم پرنیان آید همی.^{۵۱}

در این بیت‌ها، رودکی از کلمات ساده و روان استفاده کرده است، به‌طوری‌که هر خواننده‌ای به‌راحتی می‌تواند مفهوم شعر را درک کند. در عین حال، موسیقی کلام و استواری وزن نشان‌دهنده قدرت زبان فارسی در این دوره است.

ویژگی‌های بارز در این نمونه: استفاده از واژه‌های فارسی ناب (بوی، جوی، یار، مهربان، ریگ، درشتی)، نداشتن ترکیب‌های پیچیده و عربی، تصویرپردازی طبیعی و ملموس (جوی مولیان، ریگ آموی)، موسیقی روان و هماهنگی واژگان. این سادگی و استواری، زمینه را برای تکامل زبان فارسی و پایداری آن در برابر نفوذ زبان‌های دیگر فراهم کرد.

۲. حماسه‌سرایی و تأثیر بر شاهنامه‌سرایی

یکی از مهم‌ترین تأثیرات سبک خراسانی، ترویج شعر حماسی است. شاهنامه‌ی فردوسی که مهم‌ترین اثر حماسی فارسی است، در این سبک سروده شد و تأثیر شگرفی بر هویت ملی و زبان فارسی گذاشت. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های حماسه‌سرایی در سبک خراسانی، **شاهنامه‌ی فردوسی** است که پایه‌گذار ادبیات حماسی فارسی شد. این اثر نه تنها مهم‌ترین حماسه‌ی ملی ایرانیان است، بلکه از لحاظ زبانی و سبکی نیز نماینده‌ی شاخص سبک خراسانی به‌شمار می‌آید.^{۵۲} یکی از صحنه‌های حماسی شاهنامه، **نبرد تراژیک رستم و سهراب** است:

چو خورشید تابان میان هوا * بگسترده پر ز ابر سیاه
غمی گشت رستم ز گفتار اوی * ز کردار بد یافت پیکار اوی
همی گفت کاین را که آورده است؟ * بدین تیزی و زور پرورده است؟^{۵۳}

ویژگی‌های حماسی در این نمونه: وزن متقارب: بحر متقارب که وزن اصلی اشعار حماسی است (فعولن فعولن فعولن فعل)، زبان استوار و کوبنده: به‌دور از اطناب، سرشار از واژگان محکم، استفاده از **قهرمانان ملی**: رستم به‌عنوان قهرمان اصلی ایران احساسات و درام حماسی: نبرد پدر و پسر، بدون آگاهی از نسبت خونی. این سبک در آثار پس از فردوسی نیز تأثیر گذاشت و سنت حماسه‌سرایی را در ادبیات فارسی نهادینه کرد.

۳. رواج اوزان حماسی و بلند

در سبک خراسانی، از اوزان عروضی بلند مانند **متقارب** بیشتر استفاده می‌شد که مناسب برای حماسه‌سرایی بود. این اوزان بعدها در سبک‌های بعدی نیز مورد استفاده قرار گرفتند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک خراسانی، استفاده از **اوزان عروضی بلند و پرتین** است که برای حماسه‌سرایی بسیار مناسب‌اند. وزن رایج در اشعار حماسی این دوره **بحر متقارب مثنی‌محدوف (فعولن فعولن فعولن فعل)** است که در شاهنامه‌ی فردوسی نیز به‌کار رفته است.^{۵۴} یکی از مشهورترین ابیات شاهنامه که در این وزن سروده شده است:

به نام خداوند جان و خرد * گز این برتر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای * خداوند روزی ده رهنمای.^{۵۵}

ویژگی‌های وزنی در این نمونه: بحر متقارب: مناسب برای روایت‌های حماسی و داستانی، ریتم پر قدرت و آهنگین: تکرار فعولن باعث ایجاد ضرباهنگی کوبنده و محکم می‌شود، هماهنگی با محتوای حماسی: این وزن برای بیان داستان‌های پهلوانی، جنگ‌ها و اسطوره‌ها کاملاً مناسب است. این وزن بعدها در دیگر منظومه‌های حماسی مانند گرشاسب‌نامه و برزنامه نیز مورد استفاده قرار گرفت و یکی از اصلی‌ترین عوامل استواری و تأثیرگذاری سبک خراسانی در شعر فارسی شد.

۴. تأثیر بر مدح و قصیده‌سرایی

سبک خراسانی، پایه‌گذار قصیده‌سرایی در شعر فارسی بود. شاعرانی همچون رودکی، عنصری، فرخی و منوچهری با سرودن قصاید پرشور، زمینه را برای گسترش این نوع ادبی فراهم کردند. سبک خراسانی پایه‌گذار قصیده‌سرایی در شعر فارسی بود. شاعران این دوره مانند رودکی، عنصری، فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی قصایدی باشکوه در مدح پادشاهان، وزرا و بزرگان دربار سرودند. این سنت بعدها در سبک عراقی و حتی هندی ادامه یافت.^{۵۶}

ویژگی‌های قصیده‌سرایی در سبک خراسانی: زبان استوار و رسمی، مضامین مدحی و درباری، بیت‌های مستقل با موسیقی قوی، تشبیهات طبیعی و ملموس (بهار، سبزی، آفاق). قصیده‌سرایی که در سبک خراسانی رواج یافت، بعدها در سبک عراقی با شاعری همچون سعدی و در سبک هندی با بیدل دهلوی تکامل پیدا کرد، اما همچنان ریشه‌های آن در سبک خراسانی باقی ماند.

۵. تصویر پردازی‌های ساده و طبیعت‌گرایی

در این سبک، تصاویر شعری غالباً بر پایه طبیعت بود و از تشبیهات ساده و ملموس استفاده می‌شد. توصیفات طبیعت، شکار، مجالس بزم و وصف شاهان، از عناصر رایج در اشعار سبک خراسانی بود. شاعران سبک خراسانی به طبیعت بسیار توجه داشتند و در اشعار خود از تصاویر روشن، ملموس و طبیعی استفاده می‌کردند. این تصاویر اغلب از توصیف فصل‌ها، مناظر طبیعی، حیوانات، شکارگاه‌ها و بزم‌های درباری الهام گرفته شده است.^{۵۷} یکی از بهترین نمونه‌های طبیعت‌گرایی در سبک خراسانی، اشعار منوچهری دامغانی است که در توصیف بهار می‌گوید:

ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست * بی‌بادۀ گلرنگ نمی‌باید زیست
این سبزه که امروز تماشاگاه ماست * تا سبزه خاک ما تماشاگاه کیست؟^{۵۸}

ویژگی‌های طبیعت‌گرایی در این نمونه: توصیف طبیعت با زبانی ساده و شفاف (ابر، سبزه، باران)، بیان احساسات شاعر در پیوند با طبیعت تصاویر ملموس و زنده (گریستن ابر، نوشیدن باده، سبزه)، این نوع تصویرپردازی در شعر سبک خراسانی باعث شد که طبیعت همواره عنصری مهم در شعر فارسی باقی بماند و در سبک‌های بعدی مانند عراقی و هندی نیز ادامه یابد.

۶. بنیان‌گذاری سنت‌های شعری در فارسی

سبک خراسانی پایه‌گذار بسیاری از سنت‌های شعری مانند غزل‌سرایی، مدح، حماسه و توصیف طبیعت بود که بعدها در سبک عراقی و هندی نیز ادامه یافت. سبک خراسانی پایه‌گذار بسیاری از سنت‌های شعری در زبان فارسی

بود که بعدها در سبک‌های عراقی، هندی و بازگشت ادبی ادامه یافت.^{۶۰} از جمله مهم‌ترین این سنت‌ها می‌توان به قصیده‌سرایی، غزل‌سرایی، حماسه‌سرایی و توصیف طبیعت اشاره کرد.

نمونه‌ای از بیان‌گذاری سنت شعری رودکی (غزل‌سرایی اولیه)

رودکی را می‌توان از نخستین شاعرانی دانست که غزل را به‌عنوان یک قالب مستقل به کار برد. اگرچه در دوران او، غزل هنوز به تکامل نرسیده بود، اما برخی اشعارش نشان‌دهنده‌ی آغاز این سنت شعری است:

شاد زی با سیاه‌چشمان، شاد * که جهان نیست جز فریب و فساد

نیک و بد چون همی باید مرد * خنک آن‌کس که گشت پیش‌تر شاد.^{۶۱}

ویژگی‌های سنت شعری در این نمونه: آغاز غزل‌سرایی در فارسی (با محوریت عشق و شادی)، زبان ساده و روان (بدون اطناب و پیچیدگی).

بیان حکمت و اندیشه در شعر

وزن روان و موسیقایی که بعدها در غزل‌های سبک عراقی ادامه یافت به‌طور کلی، سبک خراسانی با ایجاد زبانی استوار، گسترش قالب‌های شعری و توجه به حماسه و طبیعت، تأثیر غیرقابل‌انکاری بر جریان‌های بعدی شعر فارسی گذاشت و راه را برای تکامل آن هموار کرد. این سنت غزل‌سرایی بعدها توسط سنایی، عطار، سعدی و حافظ به اوج خود رسید و یکی از قالب‌های اصلی شعر فارسی شد. به همین دلیل، سبک خراسانی را می‌توان پایه‌گذار بسیاری از ساختارهای شعری فارسی دانست.^{۶۱}

سهم شاعران سبک خراسانی در ادبیات فارسی

شاعران سبک خراسانی نقش بسزایی در پایه‌گذاری و گسترش شعر فارسی ایفا کرده‌اند. آنان با استفاده از زبان ساده و استوار، مضامین حماسی، توصیفی و حکمت‌آمیز را در اشعار خود جای داده و زمینه‌ساز شکوفایی ادبیات فارسی شدند. سهم این شاعران را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

۱. حفظ و گسترش زبان فارسی

در دوره‌ای که زبان عربی بر بسیاری از متون علمی و ادبی تسلط داشت، شاعران سبک خراسانی با سرودن شعر به فارسی، در تثبیت و گسترش زبان فارسی دری نقش حیاتی ایفا کردند. رودکی، به‌عنوان پدر شعر فارسی، یکی از نخستین شاعرانی بود که به این زبان شعر سرود و آن را به اوج رساند.^{۶۲}

۲. خلق شاهکارهای حماسی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شاعران سبک خراسانی، سرودن آثار حماسی است. شاهنامه فردوسی، مهم‌ترین اثر در این حوزه، با روایت تاریخ و اسطوره‌های ایران، روح ملی و هویت ایرانی را زنده نگه داشت. این اثر تأثیر عمیقی بر شعر و فرهنگ ایرانی گذاشت و تا امروز الهام‌بخش شاعران و نویسندگان است.^{۶۳}

۳. گسترش قالب‌های شعری

شاعران این دوره، به‌ویژه رودکی، فرخی سیستانی، عنصری و منوچهری دامغانی، در تکامل قالب‌های شعری مانند قصیده و مثنوی نقش داشتند. قصیده‌های مدحی، پندآموز و توصیفی آنان از نمونه‌های شاخص این سبک به شمار می‌روند.^{۶۴}

۴. توجه به مضامین طبیعت و مدح

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته شاعران سبک خراسانی، **توصیف طبیعت و مدح شاهان** است. آنان با بهره‌گیری از زبان روشن و تصاویر زیبا، به ستایش طبیعت و پدیده‌های آن پرداخته و در قالب قصیده، به مدح پادشاهان و بزرگان زمان خود توجه ویژه‌ای داشتند.^{۶۵}

۵. پایه‌گذاری سنت‌های شعری در سبک‌های بعدی

سبک خراسانی، به‌عنوان نخستین سبک شعری فارسی، زیربنای سبک‌های بعدی مانند **سبک عراقی** شد. بسیاری از شاعران پس از این دوره، از دستاوردهای زبانی و محتوایی شاعران سبک خراسانی بهره بردند و شعر فارسی را به مراحل جدیدی از رشد و تحول رساندند.^{۶۶}

نتیجه‌گیری

سبک خراسانی که یکی از نخستین و پایه‌ای‌ترین سبک‌های شعر فارسی محسوب می‌شود، نقشی بنیادین در شکل‌گیری سنت ادبیات فارسی ایفا کرده است. این سبک که از قرن سوم هجری آغاز شد و تا حدود قرن ششم ادامه یافت، در منطقه خراسان بزرگ - شامل بخش‌هایی از ایران، افغانستان، و آسیای میانه - شکوفا شد و با حمایت دربارهای سامانی، غزنوی و سلجوقی رشد یافت.

ویژگی اصلی سبک خراسانی سادگی، روانی، و روشنی زبان است. در این سبک، شاعران بیشتر به بیان مفاهیم حماسی، اخلاقی، عرفانی ابتدایی، و پندآمیز می‌پردازند. تصاویر شعری در این سبک ملموس و عینی است و از آرایه‌های لفظی و پیچیدگی‌های بیانی خبری نیست. وزن‌ها اغلب ساده و کلاسیک‌اند و واژگان بیشتر از زبان پهلوی و فارسی دری برگرفته شده‌اند تا از عربی.

از برجسته‌ترین شاعران این سبک می‌توان به **رودکی**، پدر شعر فارسی، اشاره کرد که با اشعار ساده و موسیقایی‌اش راه را برای دیگران گشود. **عنصری**، **فرخی سیستانی**، **منوچهری دامغانی** و **کسایی مروزی** از دیگر بزرگان این سبک‌اند. این شاعران غالباً در دربار شاهان زندگی می‌کردند و شعر آنان بازتابی از فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زمانه‌شان بود. در نتیجه، سبک خراسانی را می‌توان مهد زبان‌پردازی فارسی دانست؛ سبکی که با سادگی و صداقت زبانی‌اش توانست زبان فارسی را از زیر سلطه عربی بیرون آورد و به یک زبان ادبی مستقل تبدیل کند. این سبک نه تنها نقطه آغاز شعر فارسی است، بلکه همچون ریشه‌ای استوار، بستری فراهم کرده تا سبک‌های دیگر مانند سبک عراقی و سبک هندی بر آن بنا نهاده شوند. بدون شناخت سبک خراسانی، درک تطور و تحول شعر فارسی ممکن نیست.

منابع و مآخذ

^۱ دکتر سیروس شمیسا، *سبک شناسی شعر* (تهران: نشر میترا)، ۱۳۹۴ ه.ش/۲۰۱۵ م، ص: ۱۳-۱۴.

^۲ همان.

^۳ دکتر احمد تمیم داری، *کتاب ایران تاریخ ادب پارسی* (تهران: الهدا-مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی)، ۱۳۷۹

ه.ش/۲۰۰۰ م، ص: ۸۵-۸۶.

- ^۴ سبک شناسی شعر، ص: ۲۱-۲۲.
- ^۵ همان، ص: ۲۳.
- ^۶ دکتر توفیق ه. سبجانی، تاریخ ادبیات-۱ (تهران: دانشگاه پیام نور)، ۱۳۷۵ ه.ش/۱۹۹۶ م.، ص: ۱۴۳-۱۴۴.
- ^۷ سبک شناسی شعر، ص: ۲۵-۲۶.
- ^۸ ابو عبد الله جعفر ابن محمد رودکی سمرقندی، دیوان رودکی، تنظیم، توضیح و نظارت: جهانگیر منصور (تهران: انتشارات ناهید)، ۱۳۷۳ ه.ش/۱۹۹۴ م.، ص: ۴۷. <https://ganjoor.net/roodaki/baghimande/sh121/>
- ^۹ سبک شناسی شعر، ص: ۲۷-۲۸.
- ^{۱۰} دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران-جلد اول (تهران: انتشارات فردوس)، ۱۳۷۸ ه.ش/۱۹۹۹ م.، ص: ۴۰۸-۴۰۹.
- ^{۱۱} بدیع الزمان فروزانفر، سخن و سخنوران (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی)، ۱۳۶۹ ه.ش/۱۹۹۰ م.، ص: ۴۴-۴۶.
- ^{۱۲} سبک شناسی شعر، ص: ۳۲-۳۳.
- ^{۱۳} ابو القاسم فردوسی، هجونه <https://ganjoor.net/ferdousi/hajvname>
- ^{۱۴} ابو القاسم فردوسی، شاهنامه <https://ganjoor.net/search?s=0>
- ^{۱۵} سبک شناسی شعر، ص: ۳۴-۳۵.
- ^{۱۶} همان، ص: ۴۲-۴۳.
- ^{۱۷} همان.
- ^{۱۸} یوان عنصری بلخی به کوشش دکتر سید محمد دبیر سیاقی (تهران: انتشارات کتاب خانه سنایی)، ۱۳۶۳ ه.ش/۱۹۸۴ م.، ص: ۶۴.
- ^{۱۹} همان، ص: ۹۹.
- ^{۲۰} سبک شناسی شعر، ص: ۴۳.
- ^{۲۱} دکتر ناصر نیکویخت، شعر فارسی از آغاز تا قرن ششم هجری (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی - سمت)، ۱۳۹۱ ه.ش/۲۰۱۲ م.، ص: ۶۲-۶۳.
- ^{۲۲} همان.
- ^{۲۳} دیوان حکیم فخری سیستانی به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: چاب سپهر)، ۱۳۳۵ ه.ش/۱۹۵۶ م.، ص: ۶۴.
- ^{۲۴} همان، ص: ۹۴.
- ^{۲۵} همان، ص: ۱۶۴.
- ^{۲۶} سبک شناسی شعر، ص: ۴۵.
- ^{۲۷} دکتر محمد جعفر یاحقی، گلیات تاریخ ادبیات فارسی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی - سمت)، ۱۳۸۹ ه.ش/۲۰۱۰ م.، ص: ۳۹-۴۰.
- ^{۲۸} سبک شناسی شعر، ص: ۳۱-۳۲.
- ^{۲۹} گلیات تاریخ ادبیات فارسی، ص: ۳۹-۴۰.
- ^{۳۰} دکتر توفیق ه. سبجانی، تاریخ ادبیات-۲ (تهران: دانشگاه پیام نور)، ۱۳۷۵ ه.ش/۱۹۹۶ م.، ص: ۴۱-۴۲.
- ^{۳۱} سبک شناسی شعر، ص: ۵۰-۵۱.
- ^{۳۲} دیوان منوچهری دامغانی به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی (تهران: چاپخانه حیدری)، ۱۳۴۷ ه.ش/۱۹۶۸ م.، ص: ۴۴.
- ^{۳۳} همان، ص: ۵۸.
- ^{۳۴} همان، ص: ۷۴.
- ^{۳۵} همان، ص: ۷۹.

- ۳۶ سبک شناسی شعر، ص: ۵۰-۵۱.
- ۳۷ دکتر ذبیح الله صفا، گنج سخن - جلد اول (تهران: انتشارات دانشگاه تهران)، ۱۳۵۷ ه.ش/۱۹۷۸ م.، ص: ۱۹۴-۱۹۶.
- ۳۸ سبک شناسی شعر، ص: ۵۷.
- ۳۹ همان.
- ۴۰ گرشاسب نامه حکیم ابو نصر علی بن احمد اسدی طوسی باهتمام حبیب یغمائی (تهران: کتابخانه طهوری)، ۱۳۵۴ ه.ش/۱۹۷۵ م.، ص: ۲۷۴.
- ۴۱ همان.
- ۴۲ سبک شناسی شعر، ص: ۵۷.
- ۴۳ دکتر رضا زاده شفق، تاریخ ادبیات ایران (تهران: انتشارات آهنگ)، ۱۳۶۹ ه.ش/۱۹۹۰ م.، ص: ۱۳۸-۱۳۹.
- ۴۴ همان.
- ۴۵ سبک شناسی شعر، ص: ۵۹-۶۱.
- ۴۶ دیوان ناصر خسرو، تنظیم: جهانگیر منصور (تهران: مؤسسه انتشارات نگاه و نشر علم)، ۱۳۷۳ ه.ش/۱۹۹۴ م.، ص: ۶۴.
- ۴۷ همان. ص: ۷۷.
- ۴۸ همان. ص: ۱۲۳.
- ۴۹ دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران - جلد اول (تهران: انتشارات فردوس)، ۱۳۷۸ ه.ش/۱۹۹۹ م.، ص: ۴۵۳-۴۵۴.
- ۵۰ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۵۱ دیوان رودکی، ص: ۴۷/ <https://ganjoor.net/roodaki/baghimande/sh121/>.
- ۵۲ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۵۳ ابو القاسم فردوسی، شاهنامه <https://ganjoor.net/search?s=7>.
- ۵۴ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۵۵ ابو القاسم فردوسی، شاهنامه <https://ganjoor.net/search?s=58>.
- ۵۶ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۵۷ همان.
- ۵۸ دیوان منوچهری دامغانی به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی (تهران: چاپخانه حیدری)، ۱۳۴۷ ه.ش/۱۹۶۸ م.، ص: ۶۴.
- ۵۹ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۶۰ دیوان رودکی، ص: ۴۷/ <https://ganjoor.net/roodaki/baghimande/sh197/>.
- ۶۱ سبک شناسی شعر، ص: ۶۱.
- ۶۲ همان، ص: ۶۳.
- ۶۳ همان، ص: ۶۶.
- ۶۴ همان، ص: ۷۲.
- ۶۵ همان، ص: ۸۷-۸۸.
- ۶۶ همان، ص: ۸۸.